مقالاتی که در این صفحه منتشر می‌شود، از مهم‌ترین منابع خارجی درباره مجموعه موضوعات مرتبط با ایران یا دیگر تحولات و رویدادهای مهم جهان گزینش شده است. هدف اصلی از انتشار این مقالات، ارائه مستقیم و بی‌واسطه مهم‌ترین تحلیل‌ها در حوزه‌های راهبردی به تحلیلگران فارسی‌زبان است. کاملا روشن است که تحلیل‌های مندرج در این مقالات موضع روزنامه «وطن امروز» نیست. شاید در بسیاری از موارد «وطن امروز» دیدگاهی اساسا متفاوت داشته باشد و حتی در بقیه صفحات روزنامه به نقد آنها بپردازد.

مطالعه مستمر این مقالات این امکان را به خواننده خواهد داد با ذهنیت‌های راهبردی غرب درباره ایران یا دیگر تحولات مهم جهان آشنا شود.

جمهوریخواهان درباره ایران سختگیرتر از اوباما نخواهند بود

HAARETZ

اریک یوئی: سخنان تند جمهوریخواهان درباره ایران، نتانیاهو را فریب می‌دهد اما جمهوریخواهان در عمل قاطع نیستند.

بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل مطمئن است کنگره آمریکا که تحت کنترل جمهوریخواهان است، از تلاش‌های وی برای جلوگیری از به وجود آمدن یک ایران هسته‌ای حمایت خواهد کرد اما باراک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا و دموکرات‌ها از وی حمایت نخواهند کرد ولی او در اشتباه است. وی بار دیگر فریب این هیاهوها، سخنان تند درباره ایران و انتقاد جمهوریخواهان از اوباما را خورده است. بار دیگر وی بشدت درباره اختلاف‌نظر ۲ حزب اصلی آمریکا درباره جمهوری اسلامی مبالغه کرده است و اسرائیل هزینه آن را خواهد پرداخت. نتانیاهو بارها گفته است مساله ایران یک مشکل بزرگ است به همین علت نیز تصمیم گرفته است درباره این مساله حتی بدون موافقت دولت اوباما در کنگره سخنرانی کند. وی با پذیرفتن دعوت جان بینر، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا برای سخنرانی در کنگره ریسک‌های زیادی کرد، رئیس‌جمهور آمریکا را به چالش کشید، مقامات دموکرات را خشمگین کرد و روابط آمریکا - اسرائیل را به پایین‌ترین سطح خود رساند. همان‌طور که بسیاری از تحلیلگران معتقدند تنها دلیلی که نتانیاهو چنین ریسکی کرد این است که فکر می‌کند دولت اوباما ضعیف‌تر از آن است که در مقابل ایران بایستد، در نتیجه تصمیم گرفته است به کنگره تحت کنترل جمهوریخواهان تکیه کند و از آن کمک بخواهد. نومحافظه‌کارانی مانند ویلیام کریستول از نخست‌وزیر اسرائیل حمایت کردند و گفتند حزب جمهوریخواه و محافظه‌کاران و بسیاری از مردم آمریکا در کنار اسرائیل و در مقابل اوباما قرار دارند. اما این تفکر که جمهوریخواهان، محافظه‌کاران و مردم آمریکا در یک طرف هستند و اوباما و لیبرال‌ها در طرف دیگر، یک توهم است. از میان صد آمریکایی حتی یک نفر هم نمی‌تواند اختلاف‌نظر میان مواضع دولت و جمهوریخواهان را درباره ایران توضیح دهد، زیرا هر دو طرف نمی‌خواهند ایران به سلاح هسته‌ای دست یابد و گفته‌اند همه گزینه‌ها برای جلوگیری از چنین اتفاقی روی میز است. هر دو طرف از تحریم‌های سخت علیه رژیم ایران حمایت کرده‌اند و همچنین معتقدند تحریم‌های سخت بیشتر علیه این کشور ممکن است موجب شکست مذاکرات شود. در واقع اختلافات واقعی میان آنها بسیار جزئی است. حتی اگر شرایط یک توافق نقض شود یا توافقی حاصل نشود، بعید است اوباما تصمیم به اقدام نظامی بگیرد. جمهوریخواهان نیز چنین چیزی نمی‌خواهند. نتانیاهو آماده است دولت اوباما را درباره اینکه جمهوریخواهان درباره ایران حامی وی هستند، تحریک کند اما اینگونه نیست. درست است که جمهوریخواهان به مساله ایران توجه دارند اما آنها و مردم آمریکا نگرانی‌های مهم‌تری دارند.

سخنرانی در کنگره توهین به رئیس‌جمهور آمریکا و حامیان وی است. اگر نخست‌وزیر اسرائیل می‌خواهد درباره خطر ایران به یک اجماع کلی در آمریکا برسد، تنها راه این است که سخنرانی خود را تا پس از انتخابات اسرائیل به تعویق بیندازد و تا آن زمان از کنگره فاصله بگیرد، از شدت جنجال‌های به پا شده بکاهد و جامعه یهودی را تشویق کند برای رسیدن به مواضع قاطعانه‌تر درباره تحریم‌های ایران، چارچوب توافق هسته‌ای و پیامدهای سرپیچی‌های ایران، روی دولت آمریکا و دوستانشان در هر دو حزب کار کنند.

هاآرتص

چگونه می‌توان از ایران امتیاز گرفت؟

FOREIGN AFFAIRS

«دنیس راس» (مشاور مؤسسه واشنگتن)، «اریک ادلمن» (عضو برجسته مرکز ارزیابی‌های استراتژیک و بودجه‌ای)، «ری تکیه» (همکار و عضو ارشد شورای روابط خارجی آمریکا): بن‌بست هسته‌ای ایران حل نخواهد شد مگر آنکه واشنگتن در درگیری‌های بی‌شمار منطقه آشوب‌زده خاورمیانه مداخله کند. خصوصاً حالا که یمن بسیار آسیب‌پذیر است و خاندان سلطنتی سعودی نیز در شرایط آشفته و نابسامانی قرار دارد. به نظر می‌رسد مذاکرات هسته‌ای میان ایران و آمریکا به بن‌بست رسیده است. در همین حین، ایران با حمایت از کودتا در یمن، تقویت و پشتیبانی ماشین جنگی بشار اسد در سوریه و وساطت و میانجی‌گری میان جناح‌های مختلف در عراق و تبانی با عوامل حزب‌الله در نزدیکی اسرائیل به پیشرفت‌های پیوسته خود در منطقه خاورمیانه ادامه می‌دهد. در شرایط کنونی نظام اتحاد آمریکا با متحدانش با شکست مواجه شده و این در حالی است که در نظر متحدان آمریکا در منطقه ایران و جبهه مقاومت آن در این منطقه یکه‌تازی می‌کنند.

این دو رخداد همزمان یعنی بن‌بست در مذاکرات هسته‌ای و پیشرفت‌های ایران در منطقه به هیچ‌وجه تصادفی نیست. این تحولات با یکدیگر ارتباط تنگاتنگی دارند و باراک اوباما، رئیس‌جمهوری آمریکا نیز باید از این موضوع درس بگیرد: بن‌بست هسته‌ای ایران حل نخواهد شد مگر آنکه واشنگتن در جنگ‌های داخلی و درگیری‌های بی‌شمار منطقه آشوب‌زده خاورمیانه مداخله کند. بویژه حالا که یمن بسیار آسیب‌پذیر است و خاندان سلطنتی سعودی نیز در پی مرگ «ملک عبدالله» پادشاه سابق عربستان سعودی در شرایط آشفته و نابسامانی قرار دارد. در طول مذاکرات هسته‌ای سال گذشته، ایران امتیازات سخاوتمندانه بسیاری از سوی غرب دریافت کرده است. گروه ۱+۵ موافقت کرد ایران غنی‌سازی اورانیوم داشته باشد، نیازی به کاهش چشمگیر در تعداد سانتریفیوژها یا تعطیلی کامل هیچیک از تأسیسات هسته‌ای نداشته باشد و در نهایت اینکه پس از گذشت مدتی بتواند برنامه هسته‌ای خود را در مقیاس صنعتی آغاز کند. ایران از آن طرف طی ۱۲ سالی که از مذاکرات هسته‌ای می‌گذرد، عادت کرده است طرف مذاکرات در عمل به تعهدات خود همواره با امتیازات بسیاری به پای میز مذاکره بازگردند و این در حالی است که ایران تنها اقدامات بسیار محدودی در راستای تعهدات خودش انجام می‌دهد.

با این همه در پایان چارچوب زمانی یکساله طرح اقدام مشترک هیچ توافقی حاصل نشد و آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر عالی جمهوری اسلامی ایران همچنان عنوان می‌کند عدم توافق مانعی بر سر پیشرفت ایران نیست. در حقیقت مذاکره‌کنندگان ایرانی برای گرفتن امتیازات بیشتر فشار می‌آورند اما خود حاضر نیستند امتیازی بدهند. لذا زمان آن فرارسیده است که بپذیریم به استراتژی سرکوبگرانه اصلاح‌یافته‌ای نیاز داریم؛ استراتژی‌ای که ارزشمندترین دارایی جمهوری اسلامی را به خطر اندازد و آن نفوذ این کشور در منطقه خاورمیانه و جایگاه حکومت در میان مردمان این کشور است. اگر قرار باشد توافق قابل قبولی حاصل شود، باید روند امتیازدهی در پای میز مذاکره متوقف شود. مقامات ایران باید بفهمند دیگر هیچ امتیازی در راستای حصول توافق به آنان تعلق نمی‌گیرد و زمان مذاکرات رو به اتمام است.

تاریخ نشان داده است مسؤولان جمهوری اسلامی ایران تنها زمانی رفتار خود را تغییر داده‌اند که احساس کرده‌اند عدم تغییر رفتار، هزینه‌های گزافی برای‌شان به بار خواهد آورد. ایران باید بداند ما آنقدر نگران حصول توافق در مساله هسته‌ای نیستیم که نسبت به رفتار این کشور در منطقه بی‌تفاوت باشیم. اگر لازم باشد در راستای تغییر توازن قدرت درون سوریه اقدام کنیم، می‌توانیم هزینه‌های حمایت ایران از بشار اسد را بالا ببریم و در عین حال امکان رسیدن به نتیجه سیاسی را در سوریه هموار کنیم.

توجه ما در عراق باید به دستیابی روزافزون ایران به این کشور باشد که به نام خلع سلاح دولت اسلامی عراق و شام (داعش) انجام می‌گیرد. ارتش عراق باید بدین منظور همکاری نزدیکی با آمریکا و متحدان عرب آن داشته باشد. درباره خلیج‌فارس هم زمان آن رسیده است که واشنگتن و ریاض در راستای تأمین امنیت راه‌های آبی و به انزوا کشاندن ایران میان همسایگان نزدیک خود با یکدیگر همکاری کنند. محافظان حکومت دینی ایران تنها در صورتی امتیازدهی در مساله هسته‌ای را به‌طور جدی در نظر خواهند گرفت که احساس کنند همه درها به روی‌شان در حال بسته شدن است. آمریکا در همین راستا باید در تکمیل سیاست تحریم‌های اقتصادی، کمپین جنگ سیاسی علیه ایران را مدنظر قرار دهد. مقامات دولت آمریکا و سرویس‌های رسانه‌ای باید توجه همه را به ماهیت نامطلوب حکومت دینی و رفتار سرکوبگرانه جلب کنند. چنین امری نه‌تنها ارزش‌های ما را به معرض نمایش می‌گذارد بلکه می‌تواند اختلافات سیاسی در پی داشته باشد. حکومتی که در داخل و خارج از مرزهای خود تحت فشار باشد به عواقب ناسازگاری خود در مساله هسته‌ای خواهد اندیشید.

وقتی دیپلمات‌های آمریکا دوباره با همتایان ایرانی خود دیدار می‌کنند باید شهامت این را داشته باشند که اگر ایران از مواضع خود کوتاه نیامد، میز مذاکره را ترک کنند و مذاکرات را به حالت تعلیق درآورند. راه دیگر برای تحت فشار گذاشتن ایران اعلام علنی همه امتیازاتی است که گروه ۱+۵ تاکنون به ایران اعطا کرده و افشای این حقیقت که ایران در ازای آنها اقدام متقابل ناچیزی صورت داده است. ما بدین‌وسیله نشان خواهیم داد اینکه ایران می‌گوید تنها به دنبال انرژی صلح‌آمیز و غیرنظامی هسته‌ای است ادعایی توخالی است و همچنین به گوش مسؤولان این کشور خواهیم رساند ما با مخالفت ایران به توافق هسته‌ای نیاز نداریم و آماده‌ایم تا شرایطی فراهم آوریم که جامعه بین‌المللی از افزایش فشار بر این کشور حمایت کند.

کاخ سفید شاید در شرایط کنونی نتواند تصویر متحد و یکپارچه‌ای از جبهه داخلی آمریکا به دیگران نشان دهد اما باید لوایحی را از روی خردورزی به کنگره پیشنهاد کند تا بتواند از طریق آنها کنگره را با خود همراه سازد. نگرانی‌های کنگره درباره جهت‌گیری مذاکرات غیرمنطقی نیست. دولت اوباما هم برابری‌های دیپلماتیک و نگرانی‌های قانونی درباره اتحاد گروه ۱+۵ دارد. کاخ سفید، مذاکره‌کنندگان تأثیرگذار و کارآمدی در کنگره دارد و هنوز امکان رسیدن به سازش از راه گفت‌وگوهای صادقانه بر سر این مسائل حساس وجود دارد. در نهایت، اگر کاخ سفید بدون تایید و مشارکت کنگره به هرگونه توافقی برسد، عمر چنین توافقی کمتر از دوران ریاست‌جمهوری اوباما خواهد بود.

آمریکا و ایران برحسب تقدیر همواره با یکدیگر اختلاف و دشمنی خواهند داشت. این امکان برای این دو کشور دشمن وجود دارد که بر سر قرارداد کنترل تسلیحاتی مذاکره کنند اما چنین توافقی با دادن امتیازهای متعدد از سوی گروه ۱+۵ حاصل نمی‌شود. اگر در این مرحله به دنبال توافق قابل‌قبولی هستیم، باید به مسؤولان ایران نشان دهیم عدم حصول توافق بیش از آنکه به سود ایران باشد، به ضررش تمام خواهد شد.

وب‌سایت شورای روابط خارجی آمریکا (فارین افرز)

هدف روسیه از افزایش نفوذ در خاورمیانه و همکاری با ایران چیست؟

برندون فریدمن: روسیه به‌رغم بحران اقتصادی، کاهش شدید ارزش پول ملی این کشور و روبه‌رو شدن با تحریم‌های غرب همچنان نفوذ بسیاری در منطقه خاورمیانه دارد و تلاش می‌کند میزان نفوذ خود را در این منطقه افزایش دهد. در این راستا روسیه روابط خود را با ۲ کشور ایران و ترکیه در حوزه‌های اقتصادی و انرژی آغاز کرده است و از حکومت بشار اسد در سوریه نیز حمایت و پشتیبانی می‌کند و از این طریق سیاست‌های غرب را در این منطقه تحت تأثیر قرار می‌دهد. گفته می‌شود ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه توانایی خود را در اوکراین و کریمه دست بالا گرفته است. مواجهه با تحریم‌های غرب از یک‌سو و سقوط قیمت نفت از سوی دیگر باعث شده اقتصاد روسیه بسیار آسیب‌پذیر شود و پول ملی این کشور نیز به سرعت ارزش خود را از دست بدهد. برخی کارشناسان حوزه سیاست معتقدند سیاست‌های پوتین به تضعیف و انزوای روسیه منجر شده و از توان این کشور برای قدرتنمایی خارج از مرزهای خود کاسته است اما به نظر می‌رسد در منطقه خاورمیانه هیچ‌کس طرفدار پوتین نیست. قدرت و نفوذ روسیه در این منطقه طی ۶ ماه گذشته در حال افزایش بوده است و مسکو همچنان نفوذ بالایی در میان بازیگران اصلی منطقه دارد. این نفوذ به روسیه این امکان را می‌دهد تا بسته به منافعی که برای امنیت ملی خود دارد، یا راه را برای اهداف غرب در منطقه باز کند یا جلوی آنها را بگیرد.

به گفته «طلال نظام‌الدین» کارشناس لبنانی، روسیه از جایگاه و موقعیتی که در منطقه خاورمیانه دارد برای ارتقای جایگاه نسبی قدرت خود در سیستم گسترده بین‌المللی، بویژه نسبت به آمریکا و اتحادیه اروپایی استفاده می‌کند. بنابراین به نظر می‌رسد پوتین دوباره سراغ سیاست خارجی‌ای رفته است که شوروی سابق در زمان جنگ سرد از آن استفاده می‌کرد و میخائیل گورباچف در دهه ۸۰ میلادی به آن پایان داده بود یعنی سوءاستفاده از اختلافات منطقه‌ای از طریق عوامل تبلیغاتی برای معامله با غرب. ترکیه و ایران از مهم‌ترین کشورهای منطقه خاورمیانه هستند و پوتین توانسته است نفوذ روسیه در این دو کشور را افزایش دهد. به نظر می‌رسد کشور ترکیه به رهبری «رجب طیب اردوغان» وابستگی نفتی خود به روسیه را افزایش داده است اما ترکیه این وابستگی را یک وابستگی متقابل می‌داند. از سوی دیگر، کاهش شدید قیمت نفت و تحریم‌های غرب علیه ایران، این کشور را وادار کرده است به‌رغم میل باطنی خود به روسیه نزدیک‌تر شود. در نهایت، روسیه موفق شده است کنترل راهکارهای دیپلماتیک برای فرونشاندن جنگ داخلی سوریه را در دست گیرد و از این طریق از نفوذ اتحادیه اروپایی و آمریکا در سوریه بکاهد. روسیه با وجود کاهش شدید قیمت نفت، همچنان از نقش خود به‌عنوان تأمین‌کننده گاز طبیعی استفاده می‌کند تا به اعمال نفوذ در خارج از مرزهای خود بپردازد.

پوتین، اول دسامبر ۲۰۱۴ میلادی، طرح‌های روسیه برای اجرای خط لوله گاز طبیعی «ساوت استریم» به ارزش ۱۵/۵ میلیارد یورو را لغو کرد. به موجب این طرح قرار بود سالانه ۶۳ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی از طریق خط لوله‌ای به طول ۹۰۰ کیلومتر از زیر دریای سیاه به مرکزی در بلغارستان ارسال شده و در دسترس اروپا قرار گیرد. این طرح قرار بود جایگزینی برای ارسال گاز به اروپا از طریق اوکراین باشد. گفته می‌شود اتحادیه اروپایی و آمریکا برای ایجاد تغییرات کلی در شرایط «پروژه ساوت استریم» به بلغارستان فشار آورده‌اند و همین امر روسیه را به لغو این طرح وادار کرده است. اقدامات روسیه طی بحران اوکراین سبب شد اتحادیه اروپایی مقاومت شدیدی در برابر این پروژه نشان دهد. روسیه توانست با روی آوردن به ترکیه، اثر سوء لغو پروژه ساوت استریم را از بین ببرد. مقامات روسیه اوایل ماه دسامبر با مقامات ترکیه در آنکارا دیدار کردند و پس از آن از پروژه خط لوله جدیدی با شرکت خط لوله نفت‌خام ترکیه «بوتاش» خبر دادند. این طرح «پروژه ترکیش استریم» نام گرفته است. احمد داووداوغلو، نخست‌وزیر ترکیه تمایل این کشور را برای تبدیل شدن به مرکز انرژی در منطقه تایید و اعلام کرد: «همان طور که همه جاده‌های اروپا به ایتالیا ختم می‌شود، تمام انرژی دنیا هم از طریق ترکیه ارسال خواهد شد». پروژه خط لوله «ترکیش استریم» خط لوله کنونی میان روسیه و ترکیه به نام «بلو استریم» را گسترش خواهد داد و مقدار گاز تقریبا یکسان با «ساوت استریم» (۶۳ میلیارد مترمکعب به جای ۶۷ میلیارد) به مرکزی در مرز ترکیه و یونان ارسال خواهد کرد. این گاز طبیعی سپس برای مشتریان شرکت «گازپروم» در جنوب اروپا ارسال خواهد شد. روسیه همچنین اعلام کرده قصد دارد در سال ۲۰۱۵ میلادی، ۳ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی را ۶ درصد کمتر از قیمت واقعی از طریق «بلو استریم» به ترکیه ارسال کند. انتظار می‌رود ترکیه سالانه ۱۴ میلیارد مترمکعب از مجموع ۶۳ میلیارد مترمکعب گاز سالانه از طریق خط لوله جدید را به مصرف برساند. طبق اظهارات «تانر ییلدیز» وزیر انرژی و منابع طبیعی ترکیه، میزان گاز طبیعی مصرفی ترکیه در سال ۲۰۱۴ میلادی ۴۸ میلیارد مترمکعب بوده است و انتظار می‌رود این میزان در سال ۲۰۱۵ میلادی به ۵۱ میلیارد مترمکعب برسد. به‌رغم وابستگی روزافزون ترکیه به گاز طبیعی روسیه، اقتصاد بی‌رمق روسیه و انزوای روزافزون این کشور سبب شده است ترکیه بتواند در معامله با روسیه به قیمت بهتری برسد. گزارشات رسانه‌ای حاکی از آن است تخفیف ۶ درصدی قیمت گاز اعلامی از سوی پوتین برای ترکیه رضایت‌بخش نیست و ترکیه تلاش خواهد کرد این قیمت را تا حدود ۱۵ درصد کاهش دهد.

نشانه دیگر از افزایش روابط روسیه و ترکیه در مساله انرژی این است که وزارت محیط‌زیست و برنامه‌ریزی شهری ترکیه پذیرفته است «نیروگاه هسته‌ای آک‌کویو» در شهر «مرسین» توسط شرکت روسی «روس اتم» با سرمایه‌گذاری تقریبی ۲۰ میلیارد دلاری ساخته شود. پذیرش این طرح از سوی ترکیه با سفر پوتین به این کشور و اعلام پروژه جدید «ترکیش استریم» همزمان شد. «فاروق لوغ اوغلو» از اعضای پارلمان ترکیه و معاون حزب جمهوریخواه خلق ترکیه (CHP) معتقد است اتحادیه اروپا هم روسیه و هم ترکیه را به دلایل مختلف به انزوا کشانده است لذا این دو کشور مایلند از طریق اتحاد با یکدیگر از اثرات این انزوا و تنهایی بکاهند. لوغ اوغلو همچنین افزود پروژه «ترکیش استریم» می‌تواند روسیه و ترکیه را به هم نزدیک‌تر کند اما با این حال باعث افزایش وابستگی ترکیه به روسیه در حوزه انرژی خواهد شد. روسیه همچنین خود را به یکی از شرکای مالی ایران تبدیل کرده است، کشوری که به خاطر برنامه هسته‌ای خود از سوی غرب مورد تحریم قرار گرفته است. طبق گزارشات رسانه‌های گوناگون در سال ۲۰۱۴، مذاکراتی بین ایران و روسیه بر سر انعقاد قرارداد «نفت در برابر کالا» به ارزش ۲۰ میلیارد دلار انجام گرفت که قرار بود به ایران در برابر تحریم‌های غرب کمک کند. این قرارداد هرگز به امضا نرسید اما از آنجا که ارزش پول ملی ایران و روسیه به واسطه سقوط قیمت نفت با خطر کاهش روزافزون روبه‌رو است، این دو کشور نیاز اقتصادی بیشتری برای افزایش تعاملات تجاری با یکدیگر احساس می‌کنند. این تعاملات دوجانبه هم می‌تواند در قالب معاملات پایاپای صورت گیرد و هم می‌تواند به واحد روبل روسیه یا ریال ایران انجام شود. روش دوم این امکان را به ایران و روسیه می‌دهد که مؤسسات بانکی و پولی غرب را دور بزنند؛ مؤسساتی که به ابزاری برای اعمال تحریم‌های غرب تبدیل شده‌اند. ایران از طریق تعاملات تجاری دوجانبه با روسیه می‌تواند قیمت ارزهای خارجی را افزایش داده و بدین ترتیب از کسری بودجه خود جلوگیری کند. صادرات ایران به روسیه در سال ۲۰۱۴ میلادی با ۲۰ درصد افزایش روبه‌رو بوده است.

روسیه در غیاب شرکت‌های انرژی غربی، در حال نفوذ به بخش انرژی ایران است. الکساندر نواک، وزیر انرژی روسیه سپتامبر گذشته به تهران سفر کرد و با علی‌اکبر صالحی، رئیس سازمان انرژی اتمی و حمید چیت‌چیان، وزیر نیروی ایران درباره نقش روسیه در گسترش زیرساخت انرژی ایران دیدار کرد. هدف از این گفت‌وگوها بررسی امکان ساخت یک راکتور هسته‌ای دیگر توسط روسیه برای ایران، همچنین افزایش نقش روسیه در تولید برق ایران بود. اصغر سهیلی‌پور، مشاور مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران (NIGC) بتازگی اعلام کرده است شرکت‌های روسی مایلند در پروژه‌های نفت و گاز ایران سرمایه‌گذاری کنند. سهیلی‌پور اظهار داشت تفاهمنامه‌ای با یک شرکت روسی برای ساخت خط لوله گاز طبیعی به طول ۳۰۰ کیلومتر و به ارزش ۷۰۰ میلیون دلار امضا شده است که قرار است از ایرانشهر در جنوب شرقی ایران (استان سیستان و بلوچستان) تا منطقه آزاد تجاری چابهار امتداد یابد؛ منطقه‌ای که در ساحل دریای عمان واقع شده است. سهیلی‌پور پیش‌بینی کرده این پروژه در عرض ۲ سال به بهره‌برداری برسد.

افزایش همکاری‌های اقتصادی ایران و روسیه عمدتا به توافق‌ها و اظهاراتی محدود شده است که اقدام و اجرایی برای ۲ کشور به همراه ندارد اما نقش بسیار حائز اهمیتی دارند، زیرا این امکان را برای هر دو طرف فراهم می‌کند که به غرب نشان دهند راه‌حل‌های جایگزین عملی و سودآوری در ازای سیاست‌های خارجی غرب دارند. روسیه هم از این طریق می‌تواند به غرب نشان دهد نمی‌توانند ایران را بدون همکاری روسیه به انزوا بکشانند یا تحت فشار قرار دهند. پیام روسیه به غرب این است که اگر می‌خواهند در مساله هسته‌ای ایران به نتیجه موفقیت‌آمیزی برسند به همکاری روسیه نیاز دارند. بنابراین روسیه از پیوندهای خود با ایران به‌عنوان ابزار چانه‌زنی در پیشبرد دیگر منافع امنیت ملی خود استفاده می‌کند.

با این همه روابط روسیه با ایران فقط به خاطر تلاش روسیه برای دستیابی به ابزار چانه‌زنی نیست. پوتین و اطرافیانش ایران را میدان نبرد مهمی در رقابت میان شرق و غرب بر سر تبدیل شدن به «قدرت بزرگ» می‌دانند. سرگئی کاراگانف، رئیس بانفوذ دانشکده اقتصاد و سیاست جهانی در دانشگاه تحقیقات ملی و مرکز آموزش عالی اقتصاد روسیه، به جایگاه ایران در میان روسیه و چین اشاره می‌کند و می‌گوید: «آینده تمام آسیا به این بستگی دارد که ایران در نهایت با کدام طرف متحد خواهد شد».

حمایت سیاسی قاطع مسکو از حکومت بشار اسد در سوریه به روسیه اجازه داد برای اولین بار پس از پایان جنگ سرد، قدرت خود را در منطقه خاورمیانه به نمایش بگذارد. پوتین به ایران اجازه داد بیشترین سهم از بار مالی و نظامی حمایت از بشار اسد را به عهده گیرد و با فراهم کردن نیرو و کمک‌های مالی فراوان از حکومت اسد پشتیبانی کند. در همین حین روسیه با استفاده از کرسی دائم خود در شورای امنیت سازمان ملل متحد از حکومت بشار اسد و منافع خود در کشور سوریه محافظت کرد. برای اطمینان خاطر باید گفت روسیه تکنولوژی نظامی، آموزش و کمک‌های بسیاری را برای نیروهای اسد فراهم آورد و آنها را سخاوتمندانه در اختیار حکومت بشار اسد قرار داد. گزارشات موجود حاکی از آن است که دولت روسیه تمایل بسیار زیادی دارد که میزان کمک‌های مالی خود به سوریه را افزایش دهد و تمایل دارد در سال ۲۰۱۵ میلادی اعتبار مالی جدیدی معادل یک میلیارد دلار برای کمک به حکومت بشار اسد اختصاص دهد (به علاوه ۹۰۰ میلیون دلار کمک مالی به منظور تهیه سوخت و غذا). این حمایت‌ها از حکومت بشار اسد باعث شده است روسیه در هر راهکار دیپلماتیک برای حل‌وفصل جنگ داخلی سوریه، میانجی‌گری قاطعانه‌ای داشته باشد.

روسیه به‌رغم کاهش شدید قیمت نفت، همچنان از نفوذ بالایی در منطقه خاورمیانه برخوردار است. درست است که روسیه از دخالت خود در اوکراین هزینه شدیدی داده اما نفوذ این کشور در منطقه خاورمیانه، چه از لحاظ جانی و مالی و چه از نظر سرمایه سیاسی، هزینه بالایی برای روسیه به همراه نداشته است. اینکه روسیه می‌تواند به میل خود نقش «پیش‌برنده-بازدارنده» را در خاورمیانه ایفا کند بدین معنی است که غرب نمی‌تواند منافع این کشور را به آسانی نادیده بگیرد یا آنها را به حاشیه ببرد. حتی در شرایطی که اقتصاد روسیه تضعیف شده و ارزش پول ملی آن کاسته شده است، اشتباه است اگر تصور کنیم روسیه حاضر می‌شود اهرم‌های ارزشمند قدرت خود را کنار بگذارد. روابط میان غرب و روسیه همچنان تضعیف‌تر می‌شود اما حقیقت آن است که ابزارهای نفوذ جهانی روسیه را باید ابزار چانه‌زنی مهم و تأثیرگذاری به حساب آورد. در نهایت اینکه روابط و پیوندهای روسیه با ایران و ترکیه در حال افزایش است؛ ۲ کشوری که احساس رنجیدگی و انزوا از سوی غرب دارند. افزایش روابط روسیه با این دو کشور از نقطه‌نظر اسرائیل بدون شک دردسرساز و مشکل‌آفرین است. به علاوه باید خاطرنشان کرد صادرات گاز طبیعی اسرائیل به جنوب اروپا از طریق خط لوله‌ای به طول احتمالی ۱۵۰۰ کیلومتر که از اعماق دریا از اسرائیل به قبرس و سپس به یونان و ایتالیا می‌گذرد، طرحی است که با چالش‌های فنی و مالی بسیاری روبه‌رو است و امکان عملیاتی کردن آن نیز مورد تردید است. از سوی دیگر، انجام چنین پروژه دشواری به احتمال زیاد خشم، غضب و مقاومت شدید روسیه را در پی خواهد داشت؛ کشوری که هشیارانه برای محافظت از سهم خود در بازار اروپا وارد عمل شده است.

مرکز مطالعات خاورمیانه «موشه دایان»

کسی که آینده عربستان را در دست دارد

CARNEGIE
ENDOWMENT FOR
INTERNATIONAL PEACE

لینا خطیب: «ملک عبدالله» از زمان به دست گرفتن قدرت در سال ۲۰۰۵، یک سیاست خارجی عملگرا را برای این پادشاهی در پیش گرفت و مداخله سعودی در دیگر کشورهای عربی و مقابله با نفوذ بیش از پیش ایران را احیا کرد. «سلمان» شاه جدید سعودی که بسیار محافظه‌کارتر از برادر خود است، یکی از «هفت سدیری» است؛ برادران ناتنی «عبدالله» که وی سعی کرد از نظر سیاسی آنها را تضعیف کند تا بتواند قدرت فرزندان خود را تحکیم کند. «سلمان» از بیماری رنج می‌برد و چشم‌انداز رهبری او بر عربستان سعودی اغلب جدی تلقی نمی‌شد، و همین مساله به عبدالله فرصت داد برادر ناتنی جوان‌تر خود، «مقرن» را که عموما فردی بی‌طرف تلقی می‌شود، به‌عنوان جانشین ولیعهد منصوب کند. اگرچه به دلیل بیماری «سلمان» ممکن بود حکومت مستقیماً به «مقرن» برسد اما «سلمان» حمایت اقوام سدیری خود را دارد که بر به دست گرفتن حکومت توسط او اصرار داشته‌اند، زیرا به آنها این فرصت را می‌دهد که ولیعهد او را انتخاب کرده و بدین ترتیب به قدرت برسند.

سدیری‌ها تاکنون تا حدی به هدف خود رسیده‌اند. جانشین جدید ولیعهد، «محمد بن نایف» وزیر کشور، پسر یکی از سدیری‌هاست. پس از آنکه راهبرد سوریه که توسط شاهزاده «بندر بن سلطان» طراحی شده بود و هدف آن حمایت از تکفیری‌ها برای حذف رئیس‌جمهور «بشار اسد» از قدرت بود با شکست مواجه شد، در سال ۲۰۱۴ ملک «عبدالله» پرونده سوریه را به «محمد بن نایف» سپرد. سابقه برجسته «محمد بن نایف»، همراه با محبوبیت او در میان اغلب قبایل سعودی، شانس او برای جانشینی ولیعهد را تقویت کرد.

«محمد بن نایف» در محدوده ظرفیت خود به‌عنوان طراح راهبردی در سوریه، گام‌های جسورانه‌ای برداشت. او که برنامه‌های ضدافراطی‌گری و ضدتروریستی عربستان سعودی را رهبری کرده بود، سعی کرده این پادشاهی را به‌عنوان رهبر مخالفت با تروریسم جلوه دهد. بویژه با توجه به هزاران شهروند سعودی که در حال حاضر در سوریه مشغول جنگ هستند و بازگشت آنها به عربستان می‌تواند امنیت خلیج [فارس] را با چالشی جدی روبه‌رو کند. همچنین او به بهای حمایت از ائتلاف ملی سوریه در خارج از کشور، حمایت عربستان از ائتلاف جبهه جنوبی ارتش آزاد سوریه - گروه شورشی تحت حمایت غرب و کشورهای عربی حاشیه خلیج [فارس] - را افزایش داد. این تغییر جهت اخیر احتمالا نتایجی بیش از تلاش‌های قبلی شاهزاده «بندر» برای عربستان سعودی به دنبال خواهد داشت. بنابراین راه‌حل عربستان برای سوریه مبتنی بر ایجاد دولت انتقالی است که هم اعتبار داشته و هم پاسخگوی منافع سعودی باشد. «محمد بن نایف» سعی کرده حمایت آمریکا را برای این رویکرد جلب کند و تلاش کرده پس از یک دوره افول نسبی در روابط آمریکا - عربستان، دوباره این روابط را بهبود بخشد. این رفتار بدان معناست که پادشاهی عربستان در حال تبدیل شدن به عضو برجسته عربی در ائتلاف تحت رهبری آمریکا برای مبارزه با دولت اسلامی [داعش] است.

جانشین ولیعهد نیز عملگراست. عربستان سعودی به‌رغم بی‌اعتمادی به تهران متوجه شده نفوذ ایران در منطقه حقیقتی است که به سادگی قابل چشم‌پوشی نیست. این مساله باعث شده این پادشاهی در عراق و یمن نیز عملگرایانه رفتار کند. این کشور ابتدا از تغییر حکومت مطابق میل ایران از نخست‌وزیر سابق «نوری المالکی» به نخست‌وزیر فعلی «حیدر العبادی» حمایت کرد و سپس مجراهای ارتباطی خود با متحدان حوثی ایران را باز نگه‌داشت، هرچند کسب قدرت حوثی در صنعا مورد تایید عموم نیست. ظهور دولت اسلامی در سوریه به‌عنوان دشمن مشترک عربستان سعودی و ایران احتمالا موجب ادامه فشار بر ریاض برای رسیدن به نوعی مصالحه با تهران خواهد شد که چنین مصالحه‌ای تأثیری آرامش‌بخش بر کشورهایی مانند لبنان خواهد داشت، زیرا بن‌بست سیاسی فعلی در این کشور محصول فرعی رقابت عربستان-ایران است. با نگرانی‌های موجود درباره سلامت «سلمان» (و خبر زوال عقل او) و بی‌طرفی «مقرن»، واضح است نیروی اصلی پشت تغییرات اخیر سیاسی در عربستان، یعنی «محمد بن نایف»، کسی است که حرکت بعدی عربستان سعودی را در خاورمیانه تعیین خواهد کرد.

بنابراین اهمیت تغییر پادشاه سعودی از «عبدالله» به «سلمان»، نه از نظر اقدامات آینده «سلمان» یا «مقرن» بلکه از نظر تعیین شخص بعدی که می‌تواند لحن سیاست خارجی عربستان سعودی را مشخص کند، اهمیت خاصی دارد. می‌توان انتظار داشت عربستان سعودی مسیر ۱۲ ماه گذشته خود را ادامه دهد اما حال می‌تواند این مسیر را با جسارت بیشتری دنبال کند، زیرا «محمد بن نایف» در رسمی ساختن تأثیر خود موفق شده است.

اندیشکده کارنگی

آیا در مسیر توافق خوب هستیم؟

نگاه

ادامه از صفحه اول

... همانطور که مذاکره‌کنندگان خودمان را در داخل از دلبستن به نقطه‌های خیالی در سیاست خارجی بازمی‌داریم، مهم است که ظریف و همکاران نیز دستان طمع آمریکا را در گمانه‌زنی‌های تکرارشونده با موضوع «توکل انتخاباتی دولت بر کدخدا» یکبار برای همیشه بکشند تا تحلیل‌های غلط مجدد و مکرر به بالادست سیستم محاسبات غربی‌ها در حوزه سیاست داخلی ایران صعود نکند!

بخش دوم ماجرا بر این گمانه استوار است که اگر آمریکا حاضر به اعطای یک «توافق خوب» به دولت روحانی شود در آن صورت چرا اعتدالیون نباید به تفریح سیاست خارجی برای موفقیت در سیاست داخلی متوسل شوند؟

برای محاسبه احتمال دستیابی به «توافق خوب» برای طرف ایرانی، باید خواسته‌های دو طرف را بررسی کنیم:

۱- ماحصل کلام اطرافیان دولت در ایام اخیر این بوده که موفقیت دولت به علت بی‌برنامگی محض در حوزه سیاست و اقتصاد داخل، وابسته به انعقاد توافق با غرب است؛ توافقی که هیچ مانوری روی جزئیات آن داده نمی‌شود و اتفاقا «خوب» یا «بد» بودنش بنا بر شکل افشا شده و زمانبندی قریب‌الاجلی، دست کم از جانب طرف ایرانی، مهم قلمداد نشده است! دولتی‌ها همان طور که در دور قبل افزایش فشارهای داخلی شاهد بودیم آشکارا شعارهای سیاسی مبتنی بر چنین رویه غیرملی را فریاد می‌زدند. برای دولت «هر توافقی بهتر از عدم توافق با غرب است»!

به همین دلیل است که حامیان دولت اصرار دارند ابتدا صبر کنید تا «توافق» در شکل «کلیات» و «جزئیات» منعقد شود و بعد به نقد آن بپردازید! حال آنکه پس از عقد توافقی با شروط ۱۵ - ۱۰ ساله فرصتی برای بازگشت و تفکر و استخراج از عقلای غیرحزبی باقی نمی‌ماند! در حقیقت این معامله به شرط چاقو نیست و بازی «برد- برد» به قمار یک طرفه دولت بر سر منافع ملی تبدیل خواهد شد. کدام عاقلی قمار دیگری بر سر خانه‌اش را به تماشا می‌نشیند به این شرط که «شاید هم بازیکن برنده از میدان بیرون آید؟!»

۲- در داخل ایران قریب به ۲ سال است که بر گزینه «تغییر رویه سیاسی آمریکا» مانور داده می‌شود؛ از اصرار بر تفاوت داشتن اوباما با سایرین گرفته تا مانور بر «اختلاف جدی آمریکا و اسرائیل» و اخیرا نیز خبرگزاری دولت با بازنشر یادداشت تریتا پارسی، پادوی ایرانی- سوئدی کنگره، تاکید کرده موفقیت اوباما در «عدم تصویب تحریم‌های جدید ضد ایران» به معنای موفقیت اوباما در تغییر مسیر است!

آیا واقعا آمریکا تغییر کرده است؟! با قطعیت می‌توان گفت کنگره متقاعد شده وقت دهی به جان کری و تیم مذاکره‌کننده آمریکا «سودبخش‌تر» از توسل به حربه «افزایش تحریم‌ها» در شرایط فعلی برای شکست ایران است. علاوه بر اینکه خود تریتا پارسی بارها تاکید کرده بهترین زمان برای عقد توافق جامع با ایرانی‌ها زمانی است که «تحریم‌های قبلی موثر واقع شده و ترس از تصویب تحریم‌های جدید مقابل روی آنهاست»!

در حقیقت دلیل وحدت دولت و کنگره و آیپک در آمریکا برای اعتماد به «مسیر دیپلماسی» کوتاه آمدن طرف ایرانی و درگیر شدن در اهداف کوچک برآمده از گفتمان‌های دولت در حوزه سیاست داخلی، در مقابل هدف‌گذاری بلند نظام در تغییر مرزهای ژئوپلیتیک منطقه در حکم یک ابرقدرت غیرقابل انکار است. در حقیقت همه هنر خوراک‌سازی داخلی تا اینجای کار خلاصه در جمله‌ای است که روبرتز به آن اشاره کرده و سطح دغدغه‌های ایران را در حد و اندازه «آینده روحانی در مقابل رقبای سیاسی‌اش» پایین آورده است!

لازمه اشاعه چنین تحلیلی لزوما سر زبان جاری شدن چنین جملاتی بر سر میز مذاکره با آمریکا نیست بلکه تاکید بر اهمیت انعقاد توافق با غرب برای بهبود وضعیت معیشت مردم و حل مشکلات داخلی از قول مسؤولان بانک مرکزی و نهادهای مختلف حاکمیتی کفایت می‌کند.

۳- پس تلاش اوباما برای همراه ساختن کنگره در مسیر دیپلماسی، با هدف حرکت به سمت «تعلیق یا لغو تحریم‌ها» و دستیابی به «توافق برد- برد» نبوده است بلکه کل ماجرا اینجاست که اوباما کنگره را متقاعد کرده از مسیر دیپلماسی امتیازات بیشتری می‌تواند از ایران بگیرد. این همان هدف مشترک دولت و کنگره آمریکا و اسرائیل است که از مسیرهای متفاوتی قابل دستیابی است و در شرایط فعلی براساس ارزیابی‌های آنها «مسیر دیپلماسی» سریع‌تر اهداف‌شان را تامین خواهد کرد. این بحث مهمی است که پیش از این قریب به یکسال تلاش کردیم دولت و حامیانش را متوجه آن کنیم! در آمریکا هیچ دوگانگی در ذات قدرت وجود ندارد بلکه این سلایق سیاسی است که میان احزاب و کنگره و دولت در مسیر تقابل با ایران «تفاوت» ایجاد می‌کند!

آمریکایی‌ها از مسیر «توافق خوب» با ایران بسیار دور هستند به نحوی که بزرگ‌ترین موفقیت اوباما را در سطح عدم تصویب تحریم‌های جدید در کنگره آن هم با شرط اوراق کردن برنامه هسته‌ای ایران با سلاح دیپلماسی می‌دانند. آیا این خیال‌پردازی نیست که ما گمان کنیم بزودی توافقی جامع با آمریکا امضا خواهیم کرد که براساس آن «همه تحریم‌ها» ضد ایران لغو شده و سرمایه‌گذاران خارجی به سمت مرزهای کشور هجوم می‌آورند؟ والت دیزنی نیز نمی‌تواند چنین تخیلاتی را تبدیل به فیلمی مستند کند چه برسد به دیپلماسی که کل همه طرح‌هایش فیلم ترسناک «امتیازدهی یکجانبه با توکل بر کدخدا» بوده است!

همت
www.Hemmat110.com
۰۷۲۰۰۶۰۵*
۳۰۰۰۱۰۱۰۴۰
اولین خیریه سایبری
مساله محور در ایران

شرکت مخابرات استان آذربایجان غربی

شماره مناقصه: ز/۹۳/۱۳۱ تاریخ مناقصه: ۹۳/۱۱/۲۱

نوبت اول

مناقصه عمومی تک مرحله‌ای

مناقصه گزار: شرکت مخابرات استان آذربایجانغربی

موضوع مناقصه: خرید ۱۵۰۰۰ دستگاه مودم ADSL Wireless بر اساس مشخصات فنی پیوست اسناد مناقصه ۱۰۰درصد ریالی

مبلغ سپرده شرکت در مناقصه: ضمانتنامه بانکی یا چک تضمین شده بانکی به مبلغ ۳۹۵۰۰۰۰۰۰ریال (سیصدونودوپنج میلیون ریال)

مهلت خرید اسناد مناقصه: از تاریخ ۹۳/۱۱/۲۱ تا تاریخ ۹۳/۱۱/۳۰

مهلت تحویل اسناد مناقصه به دبیرخانه شرکت مخابرات: حداکثر تا ساعت ۱۴ مورخه ۹۳/۱۲/۱۰

تاریخ بازگشائی پاکات (الف و ب و ج) مناقصه گران: ساعت ۱۴ مورخه ۹۳/۱۲/۱۱

شرایط شرکت کنندگان: تطبیق موضوع فعالیت شرکت، طبق اساسنامه با موضوع مناقصه.

طریقه تهیه اسناد مناقصه :

❋❋ **روش اول :** مراجعه به وب سایت اینترنتی این شرکت به آدرس WWW.TCWA.IR و اخذ رایگان اسناد مناقصه.

❋❋ **روش دوم :** واریز مبلغ ۱۰۰۰۰۰ ریال، به حساب سیبا شماره ۰۱۰۶۰۵۶۸۱۲۰۰۵ بانک ملی ایران، قابل واریز در کلیه شعب، بنام شرکت مخابرات استان آذربایجان غربی و ارائه آن در ساعات اداری به مدیریت تدارکات این شرکت به آدرس ارومیه، خیابان ارتش، ساختمان مرکزی مخابرات، طبقه پنجم، اتاق ۵۲۹.

❋❋ **محل تحویل اسناد:** دبیرخانه این شرکت به آدرس: ارومیه - خیابان ارتش - ساختمان مرکزی مخابرات - طبقه دوم - اتاق ۲۲۲، ضمناً شرکت کنندگان درمناقصه میتوانند، در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر با تلفنهای ۰۴۴۳۱۹۱۳۵۳۴ ، ۰۴۴۳۳۴۸۳۷۱۱-بازاریابی و۰۴۴۳۱۹۱۳۵۲۹-واحد تدارکات تماس حاصل نموده و هرگونه نقطه نظرات ونامه های کتبی خودرا به دورنگار ۰۴۴۳۳۴۵۰۶۴۵ ارسال فرمایند.

شرکت مخابرات استان آذربایجان غربی

جمهوری اسلامی ایران
وزارت راه و شهرسازی
اداره کل راه و شهرسازی استان خوزستان

آگهی مزایده عمومی
فروش ۱۴ واحد تجاری نوبت دوم شماره ۹۳/۲۱

اداره کل راه و شهرسازی استان خوزستان در نظر دارد تعداد واحدهای احداث شده با کاربری تجاری واقع در زیبا شهر شهرستان دزفول را طبق مشخصات و شرایط ذیل از طریق مزایده بصورت نقدی به فروش برساند:

۱- متقاضیان واجد شرایط می توانند از تاریخ ۹۳/۱۱/۲۰ لغایت ۹۳/۱۲/۲ جهت شرکت در مزایده و بازدید از محل و دریافت برگ مشخصات واحدها و فرم پیشنهاد قیمت و پاکات مخصوص به نشانی دزفول اداره راه و شهرسازی مراجعه نمایند.

۲- مبلغ تضمین شرکت در مزایده به میزان ۵ (پنج درصد) قیمت پایه و نوع آن به صورت ضمانتنامه بانکی معتبر و یا واریز همان میزان وجه به حساب تمرکز سپرده سازمان ملی زمین و مسکن به شماره حساب سیبا ۲۱۷۳۷۱۲۲۳۰۰۰۰ نزد بانک ملی شعبه اهواز می باشد.لازم است متقاضیان برای هر یک واحد تضمین جداگانه تهیه و ارائه نمایند ، (ضمنا ارائه هر گونه چک شخصی ، مسافرتی ، بانکی ، تضمین شده مورد قبول نمی باشد)

۳- متقاضیان می بایست تضمین شرکت در مزایده را در پاکت الف و برگ پیشنهاد قیمت را در پاکت ج قرار دهند.

۴- برنده مزایده باید حداکثر ۱۵ روز پس از تاریخ اعلام اداره کل نسبت به واریز مبلغ پیشنهادی به حساب سازمان ملی زمین و مسکن اقدام نموده و اصل فیش آن را به اداره کل تحویل نمایند در غیر اینصورت سپرده تضمین شرکت در مزایده به نفع دولت ضبط می گردد و در صورت صلاحدید نفر دوم برنده مزایده اعلام می شود و همان شرایط برای او حاکم است.

۵- برنده مزایده باید جهت انعقاد قرارداد واگذاری به اداره راه و شهرسازی شهرستان دزفول مراجعه نمایند لذا انتقال سند منوط به پرداخت هزینه های مربوطه از جمله مفاصا حساب دارایی، شهرداری و تسویه حساب مالی خواهد بود.

۶- به پیشنهادات فاقد تضمین لازم و کافی و به پیشنهادات ناقص مشروط و مخدوش و پیشنهاداتی که خارج از مهلت مقرر ارائه شود ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۷- شرکت کنندگان در مزایده می توانند در جلسه بازگشایی پاکات با ارائه کارت شناسایی معتبر حضور داشته باشند.

۸- لایحه قانونی راجع به منع مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی مصوب سال ۱۳۳۷ حاکم بر این مزایده می باشد.

۹- مهلت دریافت پاکات از متقاضیان تا ساعت ۱۳ بعداز ظهر روز چهارشنبه مورخ ۹۳/۱۲/۱۳ می باشد لازم است متقاضیان ضمن امضاء و لاک و مهر کردن پاکات شماره پلاک ثبتی و موقعیت و موضوع مزایده را بر روی همه پاکات قید نمایند و آنها را تحویل دبیرخانه اداره کل راه و شهرسازی خوزستان ساختمان شماره ۱ به نشانی اهواز امانیه خیابان مدرس بدهند و رسید دریافت نمایند.

۱۰- پیشنهادات واصله توسط کمیسیون مزایده در روز شنبه مورخ ۹۳/۱۲/۱۶ ساعت ۱۰ صبح در محل ساختمان شماره ۳ دفتر مدیریت فنی واجرایی اداره کل راه و شهرسازی استان خوزستان واقع در امانیه خیابان شهید بودات مفتوح می گردند.

ردیف	کاربری	پلاک ثبتی	مساحت به متر مربع	مبلغ کل پایه به ریال	مبلغ تضمین به ریال	نشانی
۱	تجاری	۸۳/۷۱۸۵	۳۰/۲۸	۵۱۸/۱۶۰/۰۰۰	۲۵/۹۰۸/۰۰۰	دزفول-زیبا شهر بازارچه مسکن مهر
۲	تجاری	۸۳/۷۱۸۶	۳۳/۴۰	۵۵۰/۸۰۰/۰۰۰	۲۷/۵۴۰/۰۰۰	
۳	تجاری	۸۳/۷۱۸۷	۳۳/۴۰	۵۵۰/۸۰۰/۰۰۰	۲۷/۵۴۰/۰۰۰	
۴	تجاری	۸۳/۷۱۸۸	۷۹/۶۵	۱/۰۳۵/۴۵۰/۰۰۰	۵۱/۷۷۲/۵۰۰	
۵	تجاری	۸۳/۷۱۸۹	۳۶/۹۲	۶۲۷/۶۴۰/۰۰۰	۳۱/۳۸۲/۰۰۰	
۶	تجاری	۸۳/۷۱۹۰	۳۵/۵۰	۶۰۳/۵۰۰/۰۰۰	۳۰/۱۷۵/۰۰۰	
۷	تجاری	۸۳/۷۱۹۱	۳۵/۵۰	۶۰۳/۵۰۰/۰۰۰	۳۰/۱۷۵/۰۰۰	
۸	تجاری	۸۳/۷۱۹۲	۳۵/۵۰	۶۰۳/۵۰۰/۰۰۰	۳۰/۱۷۵/۰۰۰	
۹	تجاری	۸۳/۷۱۹۳	۳۵/۵۰	۶۰۳/۵۰۰/۰۰۰	۳۰/۱۷۵/۰۰۰	
۱۰	تجاری	۸۳/۷۱۹۴	۳۶/۷۴	۶۲۴/۵۸۰/۰۰۰	۳۱/۲۲۹/۰۰۰	
۱۱	تجاری	۸۳/۷۱۹۵	۷۹/۲۳	۱/۰۲۹/۹۹۰/۰۰۰	۵۱/۴۹۹/۵۰۰	
۱۲	تجاری	۸۳/۷۱۹۶	۳۳/۴۰	۵۵۰/۸۰۰/۰۰۰	۲۷/۵۴۰/۰۰۰	
۱۳	تجاری	۸۳/۷۱۹۷	۳۳/۴۰	۵۵۰/۸۰۰/۰۰۰	۲۷/۵۴۰/۰۰۰	
۱۴	تجاری	۸۳/۷۱۹۸	۳۰/۱۰	۵۱۱/۷۰۰/۰۰۰	۲۵/۵۸۵/۰۰۰	

م الف: ۵/۳۱۷۰

روابط عمومی اداره کل راه و شهرسازی استان خوزستان